

پیشگفتار

تعلیم و تربیت در کشور ایران دارای پیشینه‌ای طولانی است و فراز و فرودهای زیادی را تجربه کرده و تحولات گوناگونی را به خود دیده است. بی‌شک مطالعه این تحولات برای کسانی که رشته تحصیلی آن‌ها علوم تربیتی است و یا عملاً به کار تعلیم و تربیت رسمی اشتغال دارند، می‌تواند متضمن فواید و دستاوردهایی باشد؛ زیرا با مطالعه تاریخ تعلیم و تربیت می‌توان صاحب‌نظران و متفکران تعلیم و تربیت و نیز آراء و عقاید تربیتی پیشینیان را شناخت و با نقش آن‌ها در پیشبرد تعلیم و تربیت آشنا شد، دیگر آنکه می‌توان دریافت که عوامل بروز تحول در تعلیم و تربیت این دیار چه بوده و در هر برهه‌ای از زمان، دستخوش چه دگرگونی‌هایی شده است و سرانجام اینکه تعلیم و تربیت ایران در گذشته چه تجربه‌هایی را از دیگر جوامع اخذ کرده است و این تجربه‌ها دارای چه نکات قوت و ضعفی بوده است.

بنابراین در نوشتار حاضر پیشینه تعلیم و تربیت ایران در چند برهه تاریخی بررسی و اختصاصات تعلیم و تربیت در ادوار گذشته به اختصار معرفی می‌شود.

نخستین مرحله از تاریخ تعلیم و تربیت ایران، به دوران پیش از اسلام برمی‌گردد. پس از آنکه سرزمین ایران چند هزار سال پیش از سوی اقوام آریایی یعنی مادها، پارس‌ها و پارت‌ها برای زندگی انتخاب شد، به تدریج تمدن‌هایی در آن به وجود آمد و حکومت مادها شکل گرفت. از خط و زبان این دوران و بالتبع آموزش و پرورش مادها در دوره حکمرانی‌شان اطلاعات چندانی در دست نیست.

پس از سقوط دولت مادها تا زمان گسترش تمدن اسلام در ایران - به جز عصر اسکندر و جانشینانش، سلوکیان (۳۱۲ تا ۲۴۷ ق.م) - سه سلسله معروف بر کشور حکومت کردند که عبارت‌اند از:

۱. سلسله هخامنشی (۵۵۰-۳۳۰ ق.م)

۲. سلسله اشکانی (۲۴۷ ق.م-۲۲۴ م)

۳. سلسله ساسانی (۲۲۴-۶۵۱ م)

به رغم عدم کفایت منابع تاریخی درباره وضعیت تعلیم و تربیت در ایران باستان، بنا به

شواهد تاریخی، در دوران پیش از اسلام - به‌ویژه در دوران ساسانیان - شاهزادگان، اشراف‌زادگان و فرزندان درباریان به تعلیم و تربیت رسمی دسترسی داشتند. فرزندان عامه مانند کشاورزان، کارگران و صنعتگران جامعه از دستیابی به آموزش و پرورش رسمی که به شاهزادگان اختصاص داشت محروم بودند.

آموزش در این دوران به آموزش‌های دینی و اخلاقی که عمدتاً از سوی روحانیون و موبدان آموزش داده می‌شد منحصر نبود، بلکه آموزش‌های نظامی، صنعتی، حرفه‌ای و اداری نیز رایج بود. حرفه‌هایی مانند حجاری، فلزکاری، تندیس‌سازی، اسلحه‌سازی، قالی‌بافی، پارچه‌بافی، کوزه و سفالگری، ضرب سکه و سایر صنایع دستی رونق فراوانی داشت و این نوع حرفه‌ها و مهارت‌ها به روش استاد-شاگردی تعلیم داده می‌شد.

همچنین در دوران پیش از اسلام، به‌ویژه در دوران ساسانیان، به رغم تکثر دینی و مذهبی در کشور، آیین زرتشت متداول‌ترین دین بود و تعالیم آن را مغان و موبدان به مردم آموزش می‌دادند. کودکان احتمالاً قطعاتی از *اوستا* را حفظ می‌کردند و جوانان هم می‌بایست با اصول و دیانت زرتشت آشنا می‌شدند و دستورات دین را سرمشق زندگی قرار می‌دادند.

در ایران پیش از اسلام، دانشگاه جندی‌شاپور که در عصر ساسانیان بنیان‌گذاری شده بود، به صورت یک مرکز علمی بسیار فعال درآمده بود و تا سال‌ها پس از ورود اسلام به ایران (تا قرن سوم هجری) همچنان فعال بود و در عهد انوشیروان دانش‌های هندی، یونانی، یهودی، مسیحی و ایرانی در آن گردآوری می‌شد.

دومین دوران در تاریخ تعلیم و تربیت ایران، دوران گسترش تمدن و فرهنگ اسلامی است. با گسترش اسلام در ایران، مردم دین اسلام را پذیرا شدند و بر مبنای این آیین آسمانی زندگی نوین خود را بنا نهادند. تعلیم و تربیت ایرانیان که جدا از شیوه زندگی آن‌ها نبود، از اسلام تأثیر پذیرفت و رنگ و صبغه اسلامی به خود گرفت؛ برای مثال، آموختن قرآن و یاد گرفتن خط و زبان عربی و برپا داشتن نماز در مساجد، جایگزین خواندن *اوستا* و سرودهای مذهبی و حضور در آتشکده‌ها شد.

از این پس، ایران بخشی از قلمرو سرزمین‌های اسلامی شد و سرنوشت ایرانیان با سرنوشت دیگر مسلمانان گره خورد. به همین قیاس تعلیم و تربیت ایرانیان در این برهه از زمان و تا دو قرن بعد از آن را باید بخشی از تاریخ تعلیم و تربیت مسلمانان به حساب آورد و شاید نتوان تاریخ آن را از تاریخ تعلیم و تربیت مسلمانان تفکیک کرد؛ زیرا هر تحولی که در عرصه

تعلیم و تربیت مسلمانان در این فاصله زمانی رخ داده، بر تعلیم و تربیت ایرانیان نیز اثر گذاشته است. از این رو، تاریخ تعلیم و تربیت ایران از آغاز پذیرش اسلام به وسیله ایرانیان تا پایان قرن انقراض خلفای بنی عباس، جزئی از تاریخ مسلمانان به حساب می آید؛ بنابراین سرزمین ایران به تدریج از سال ۳۰ قمری جزء قلمرو حکومت اسلامی شد و تا سال ۲۰۵ قمری همچنان جزئی از مملکت اسلامی به حساب می آمد، لیکن از آغاز قرن سوم هجری حرکت‌هایی برای استقلال طلبی در میان ایرانیان شروع شد. نخستین بانگ استقلال طلبی را در خراسان، طاهر ذوالیمینین به گوش خلفای عباسی رسانید. نخست حکومت‌هایی محلی در نواحی مختلف ایران به وجود آمد، آن‌گاه در عصر صفویه، حکومتی نسبتاً یکپارچه در ایران شکل گرفت و ایران از دیگر سرزمین‌های اسلامی منتزع گردید.


طی چهار قرن اول هجری که دین اسلام در ایران گسترش پیدا کرد، زبان عربی نیز به عنوان زبان علمی، در مراکز آموزشی رواج یافت؛ زیرا طلاب علوم دینی و نیز دانشمندان برای فهم قرآن و مسائل دینی نیازمند آموختن این زبان بودند. شماری از علمای ایرانی فارسی‌زبان مانند ابن سینا، فارابی، غزالی و رازی برخی از آثار علمی خود را به زبان عربی نوشتند.

در این دوران دانشمندان و متفکران مسلمان نیز به سهم خود می‌کوشیدند تا در کنار مساجد، مراکزی برای تعلیم و تعلم ایجاد کنند و به گسترش و نشر علم و ادب و فرهنگ اسلامی همت گمارند. نظامیه‌ها، از جمله مدرسه نظامیه بغداد که به وسیله خواجه نظام‌الملک طوسی تأسیس شد، همچنین مدرسه علمیه نجف به همت شیخ طوسی در نجف اشرف و بعدها ربع رشیدی به وسیله رشیدالدین فضل‌الله در تبریز تأسیس گردید، نمونه‌هایی از این مراکز آموزشی‌اند. علاوه بر مدارس و مراکز آموزشی، رصدخانه‌ها و کتابخانه‌های فراوانی بنیان‌گذاری شد که طالبان علم از آن‌ها استفاده می‌کردند.

سومین دوران در تاریخ تعلیم و تربیت ایران به دوران معاصر معروف است. این دوران با تشکیل حکومت قاجار و رویارویی ایران با تمدن جدید، به‌خصوص در جریان جنگ‌های ایران و روسیه، هم‌زمان است. در ابتدای دوران حکومت قاجار نیاز ایران به کسب صنعت و استفاده از تسلیحات نظامی جدید، موجب برقراری ارتباط بین دولت ایران و کشورهای اروپایی شد. به دنبال این ارتباطات، انتقال تجارب آموزشی به ایران شروع شد و نهادها و مؤسسات آموزشی گوناگون با الگوبری از غرب در ایران به وجود آمدند. در دوران حکومت پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ ش)، در فرایند نوسازی، در کنار نهادهای سنتی آموزش و حوزه‌های علمی، نهادهای آموزشی نوین توسعه

یافت و با ایجاد دانشگاه، آموزش عالی رونق پیدا کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی تحولاتی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در ایران به وقوع پیوست که این تحولات به نوبه خود، تعلیم و تربیت را تحت تأثیر قرار داد و فصل جدیدی در تاریخ تعلیم و تربیت ایران رقم خورد که هدف آن بنا نهادن تعلیم و تربیت بر مبنای ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی بود.

آنچه در سطور قبل به آن‌ها اشاره شد، نمونه‌هایی از تحولاتی است که در عرصه رسمی تعلیم و تربیت رخ داده است و در فصول مختلف کتاب بررسی خواهد شد.

از مدرسان و دانشجویان گرامی تقاضا داریم نظرات و دیدگاه‌های خود درباره کتاب را از طریق روابط عمومی سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت) به نشانی info@samt.ac.ir با ناشر در میان بگذارند و با ارائه پیشنهادهاى خود برای بهبود مطالب کتاب در چاپ‌های بعدی پرسش‌نامه را (با دریافت از کد ) تکمیل و ارسال فرمایند (به ارسال‌کنندگان پرسش‌نامه، هدیه‌ای از سوی ناشر تعلق می‌گیرد).

سخنی با مدرسان

ناگفته پیداست تاریخ آموزش و پرورش ایران گستره وسیعی دارد که پرداختن به ابعاد گوناگون آن در چنین کتاب کم‌حجمی میسر نیست؛ بنابراین مطالب به اختصار بیان شده است، به آن امید که در کلاس به وسیله شما استادان گرامی با جزئیات بیشتر مطرح گردد. همچنین می‌توان از دانشجویان خواست که هر کدام با توجه به علاقه و توانمندی‌شان یکی از موضوعات تاریخ آموزش و پرورش را با جزئیات بیشتر بررسی کنند و در کلاس گزارش دهند تا از این طریق ابعاد وسیع‌تری از تاریخ آموزش و پرورش مطرح گردد.

نکته مهم دیگر اینکه در حاشیه صفحات، فضایی در نظر گرفته شده است؛ از دانشجویان بخواهید نظرشان را درباره هر بند کتاب پس از مطالعه بیان کنند؛ مثلاً آیا با آن مطلب و نظر نویسنده موافق‌اند؟ آیا نکته‌ای هست که نویسنده در بیان آن غفلت کرده باشد؟ آیا می‌توان نکته‌ای را اضافه کرد؟ آیا مطلب روان و روشن بیان شده است؟ دانشجویی که در حاشیه صفحات کتاب، نظر خود را بنویسد قطعاً مطالعه فعالی داشته و شایسته تقدیر است.

سخنی با دانشجویان

درس تاریخ آموزش و پرورش مباحث گسترده‌ای دارد. با پژوهش درباره ابعاد مختلف این

درس، دانش خود درباره تاریخ تعلیم و تربیت را گسترش دهید؛ زیرا در آینده می‌تواند برای شما مفید واقع گردد؛ بنابراین با انجام تمرین‌های مختلف و فعالیت‌هایی که در این درس در نظر گرفته شده است به تعمیق یادگیری خود پردازید. چند فعالیت در این راستا قابل انجام است:

- پاسخ به پرسش‌هایی که در پایان هر فصل آمده است.

- در حاشیه صفحات کتاب فضای خالی برای بیان نظرات شما درباره موضوعات کتاب

در نظر گرفته شده است. پس از مطالعه هر بند در حاشیه صفحات پاسخ دهید که آیا با آن

مطلب و نظر نویسنده موافقت می‌کنید؟ آیا نکته‌ای هست که نویسنده در بیان آن غفلت کرده باشد؟ آیا

می‌توانید نکته‌ای را به مطلب اضافه کنید؟ آیا نویسنده، مطلب را روان و روشن بیان کرده

است؟

مقدمه

کتاب حاضر بر اساس سرفصل مصوب شورای تحول علوم انسانی به عنوان منبع اصلی درس «تاریخ آموزش و پرورش ایران» در دوره کارشناسی تألیف شده است. بر این اساس سعی شده مطالب متناسب دوره کارشناسی علوم تربیتی تدوین گردد تا خوانندگان بدون پیش‌زمینه تاریخی بتوانند موضوعات را به خوبی درک کنند.

مطالب کتاب در چهار بخش تدوین شده است: بخش اول آموزش و پرورش در دوره ایران باستان است و در آن، آموزش و پرورش در دوره پیش از اسلام بیان شده است. فصل اول این بخش، کلیات، دربردارنده مفاهیم مقدماتی مانند تعریف، تاریخ و دوره‌های تاریخی (به اختصار) است. در فصل دوم آموزش و پرورش در ایران باستان مطرح گردیده است.

بخش دوم کتاب، به تعلیم و تربیت در دوره گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی اختصاص دارد و دارای سه فصل است: فصل سوم، تعلیم و تربیت در ایران پس از ورود اسلام؛ فصل چهارم، آراء و اندیشه‌های صاحب‌نظران مسلمان و فصل پنجم، مراکز آموزشی مسلمانان. بخش سوم با عنوان تعلیم و تربیت در دوران معاصر، از دوره قاجار تا حال حاضر را شامل می‌شود. تعلیم و تربیت در عصر حکومت قاجار، تعلیم و تربیت در دوره پهلوی اول و تعلیم و تربیت در دوره پهلوی دوم عناوین فصل‌های این بخش به‌شمار می‌آیند. بخش چهارم به تعلیم و تربیت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازد. در این بخش سیاست‌ها و قوانین آموزش و پرورش، تربیت و تأمین منابع انسانی، نوآوری‌های آموزش و پرورش پس از انقلاب و سیر تحول ساختار و اقدامات انجام شده، آمده است. در پایان کتاب هم نمایه جهت سهولت در یافتن مفاهیم کتاب آورده شده است. ساختار مطالب کتاب به شرح ذیل است:

